

چه لذتی بالاتر از این که صبح بیدار شوی، دوش بگیری و بهترین لباست را بپوشی و به مدرسه بروی و در کلاس درس، نقش پیامبر را بازی کنی و از حقوق کمی که می‌گیری راضی باشی و بهترین پاداشت برقی حق شناسی باشد که در چشم‌های شاگردان و والدین مشتاق می‌درخشد و هر جا که تو را ببینند، احترام می‌گذارند.

فصل پاییز و شروع سال تحصیلی ۱۳۹۶ ش بود. من علاوه بر تدریس در مدارس مختلف، یک روز را در اداره آموزش و پرورش ناحیه یک قم در گروه‌های اجتماعی متوسطه اول، سرگروه درس مطالعات اجتماعی بودم. وظیفه اصلی سرگروه‌های درسی، هدایت و راهبری فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در یک گروه درسی خاص است. این افراد به عنوان رابط بین معلمان و مسئولین آموزشی عمل می‌کنند و نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزشی و یادگیری دارند.

پشت میز در اتاق گروه‌های اجتماعی ناحیه یک قم که عموماً دور از دسترس، مهجور و دورافتاده در طبقه دوم بود، نشسته بودم و داشتم وسایل روی میز را مرتب می‌کردم. چیزی که در این اتاق زیاد به چشم می‌خورد، کمد پر از کتاب‌های درسی، فایل‌هایی که پر از پرونده و پوشه و نمونه سوالات بود، یک یخچال کوچک در گوشه اتاق که درونش یک پارچ استیل بود. فقط همین.

اواسط روز بود که تلفن همراهم زنگ خورد. محمدعلی کلهر از همکاران و از دوستان نزدیکم که در تربیت معلم با هم بودیم با این تفاوت که ایشان، یک سال تحصیلی از ما جلوتر بود. پس از احوال‌پرسی گفت: میرزا حسن رشدیه را می‌شناسی؟ گفتم: بلی در کتاب سال نهم مطالعات اجتماعی همراه با نام امیرکبیر جزء افراد تأثیرگذار در فرهنگ ما ایرانی‌هاست. اولین کسی بود که مدارس نوین در ایران را پایه‌گذاری کرد. گفت: می‌خواهیم با کمک هم سنگ قبرش را تعویض کنیم. آماده‌ای؟ واقعاً نمی‌دانستم چه جوابی بدهم. وقتی مادرم در سال ۱۳۸۲ و پدرم در سال ۱۳۸۶ فوت کردند، مراسم عزاداری و تهیه سنگ قبر و نوشته‌هایش را خودم انجام دادم.

قرار شد از قبرستان نو که در خیابان اراک و نزدیک به حرم فاطمه معصومه است شروع کنیم. قبرستان نو از دو بخش اصلی و ضمیمه با نام ابوحنسین تشکیل شده است. عده‌ای از شخصیت‌های معروف دینی و سیاسی در این دو قبرستان مدفون‌اند. از جمله سید محمدکاظم شریعتمداری، سلطان الواعظین شیرازی صاحب کتاب شبهای پیشاور، میرزا حسن رشدیه، کربلایی کاظم ساروقی مشهور به معجزه قرآن و....

خاطراتی از تعویض سنگ قبر میرزا حسن رشدیه در آذرماه ۱۳۹۶ ش

محمد سپهری فتاحی*

* کارشناس ارشد تاریخ ایران.

به اتفاق آقای کله‌ر در قبرستان نو قرار گذاشتیم. جالب است بگویم که وقتی وارد قبرستان می‌شوید با دو پدیده عجیب مواجه می‌شویم؛ سمت چپ قبرستان یک بارگاه باشکوه و آراسته که قبر کربلایی کاظم ساروقی مشهور به معجزه قرآن است و سمت راست که در میان قبرها با یک قبر بسیار کوچک و عمدتاً شکسته و کهنه به نام میرزا حسن رشیدی مواجه می‌شویم.

من هر سال دانش‌آموزان را یکبار به کتابخانه آیت‌الله خامنه‌ای در خیابان ساحلی می‌بردم و در طبقه دوم این کتابخانه قسمت نابینایان یک برادر و یک خواهر نابینا بودند که آنجا را اداره می‌کردند و این قسمت مورد علاقه من بود، زیرا آقای عبدلی تاریخچه خط بریل را که به دیوار نصب کرده بود با علاقه به دانش‌آموزان توضیح می‌داد و از روی کتاب به خط بریل برای دانش‌آموزان شعر می‌خواند و بعد از رشیدی سخن می‌گفت.

هر تخصصی و هر شغلی باید تاریخچه آن شغل را بداند و ما معلمان عموماً نسبت به این مسئله بی‌تفاوتیم که میرزا حسن رشیدی مؤسس مدارس نوین پایه‌گذار این سبک آموزش در ایران بوده و قطعا ما دبیران، متهم هستیم به این که چقدر نسبت به این انسان قدرشناس و ناسپاسیم.

ابتدا کمی بابت برخی از مخالفت‌های احتمالی با این کار نگران شدیم، اما همین که نام رشیدی در یکی از مهمترین سندهای ملی آموزش ایران (کتاب درسی علوم اجتماعی سال نهم) آمده، به ما اطمینان قلب داد و کار را پیگیری کردیم.

پس از پیدا کردن سنگ قبر و دیدن سنگ قبر به لزوم تعویض آن مصمم‌تر شدیم. به طرف مدیریت قبرستان که در ابتدای ورودی

گسترش مدرسه‌های جدید: ایران مهد برخی مراکز علمی بزرگ (همچون نظامیه‌ها و دانشگاه‌های مشهور مانند جندی شاپور) در طول تاریخ بوده و علوم و فنون متعددی مخصوصاً در زمان اوج تمدن اسلامی، به دست مسلمانان ایرانی و غیر ایرانی تولید شده است. آشنایی اروپاییان با این گنجینه تمدنی که غالباً به زبان‌های فارسی یا عربی نگاشته شده بود، یکی از عوامل رشد علمی و صنعتی آنها پس از قرن ۱۵ شماری می‌رود. این درحالی است که ایران به ویژه در دوره قاجار، به دلایل مختلفی از جمله نالایق بودن برخی حاکمان، شاهد کندی و توقف رشد و نوآوری‌های علمی بود.

در دوره قاجار، نگاه برخی حاکمان داخلی و روشنفکران ۴ پیشرفت‌های کشورهای اروپایی دوحته شده بود. از سوی دیگر، برخی از کشورهای استعمارگر نیز به دلیل منافع خود، درصدد تغییر روش‌های تعلیم و تربیت در ایران بودند تا بتوانند نسل آینده ایران را مطابق با برنامه‌های خود تربیت کنند. در چنین فضایی و پس از آشنایی با پیشرفت‌های ایجاد شده در اروپا، برخی افراد مانند میرزا حسن رشیدی تصمیم گرفتند تا آموزشی در ایران بر اساس روش‌های جدید تعلیم و تربیت عمومی، تأسیس کنند. بعضی از این مدارس تازه تأسیس شده، متناسب با فرهنگ اروپاییان ساخته شده بود و تفاوت‌های جدی با سبک و فرهنگ تعلیم و تربیت در ایران اسلامی داشت.



عکس از کلاس مدارس جدید در دوره قاجار

در مکتبخانه، شاگردان پس از آموختن الفبای عربی به روخوانی قرآن می‌پرداختند. سپس کتاب‌های گلستان و بوستان سعدی و دیگر آثار ادبی و تاریخی را می‌خواندند و نوشتن را می‌آموختند. مکتب‌دار، اصول و فروع دین و احکام دینی و همچنین آداب زندگی را نیز به کودکان یاد می‌داد.

عکس از مدارس جدید، دانش‌آموزان در دوره ابتدایی درس‌هایی از قبیل قرآن، تریجات، فارسی، دیکته، حساب، نصاب، مقدمه‌های عربی و هندسه می‌آموختند. دوره متوسطه نیز هفتم، هفتم و نهم را می‌آموختند. مکتب‌دار، اصول و فروع دین و احکام دینی و همچنین آداب زندگی را نیز به کودکان یاد می‌داد.

معلمانی که اغلب فارغ‌التحصیلان دارالفنون و یا تحصیل‌کرده اروپا بودند، تدریس می‌نمودند.

قبرستان بود، رفتیم و با آقای علیرضا صادقی مسئول دفتر آرامستان قم نو و جناب آقای محرابیون که مدیریت آنجا را داشتند صحبت کردیم و در مورد اینکه می‌خواهیم سنگ قبر را تعویض کنیم چه مرحله‌ای را باید طی کنیم و ایشان گفتند: باید از اداره اوقاف قم، نامه بیاورید و چون این آرامستان جزء منطقه دو می‌باشد ساختمان اوقاف در خیابان شاه ابراهیم می‌باشد.

بعد از خداحافظی قرار بر این شد که من به اوقاف بروم و پیگیری باشم. فردای آن روز به اوقاف رفتم و به راحتی ساختمان را پیدا کردم. با مسئول اوقاف صحبت کردم که یک روحانی بود و در مورد اهمیت این شخص و جایگاه آن در آموزش و پرورش سخنرانی کردم. گفت: شرط تغییر سنگ قبر، اجازه از خانواده متوفی است. با هم به اتاق بایگانی رفتیم و سفارش مرا به بایگان کرد. در اتاق بایگانی به دنبال پرونده میرزا حسن رشیدی بود که آن را پیدا کرد و جالب است که در آن پرونده به جز چند برگه، چیزی در آن نبود.

گفت: البته تمام بستگان درجه یک او فوت کرده‌اند و شما باید از یک مرجع بالاتر برایمان نامه بیاورید. در ادامه گفت: برای این کار باید مجوزی یا نامه‌ای از یک نهاد یا سازمان داشته باشید تا من مجوز این کار را بدهم.

گفتم: من می‌توانم از اداره آموزش و پرورش ناحیه یک نامه بیاورم. قبول کرد. از او خداحافظی کردم و در این فاصله با آقای کله‌ر در ارتباط بودم و صحبت‌های خود را با او در میان گذاشتم. یک نکته عجیب را

مورد نیاز را تهیه کنیم. انتخاب دسته گل، بَیَر، پایه، دعوت از میهمانان، میوه، کرایه صندلی، میز، تهیه بروشور، کرایه میکروفن، بلندگو و...

جالب است که من و آقای کلهر هر دو معلم و جیب‌ها خالی ولی با عزت نفس بالا و از هیچ کس هم کمک نگرفتیم.

سنگ قبر آماده شد. به اتفاق آقای کلهر با قبرستان نو هماهنگی کردیم و سنگ قبر را به قبرستان نو بردیم. آقای علیرضا صادق‌زاده و آقای محرابیون که مدیریت قبرستان را بر عهده داشتند.

با یک شخصیت جالبی در قبرستان آشنا شدیم به نام محمد رمزی که نزدیک به چهل سال در قبرستان کارهای متفرقه انجام می‌داد و میانه خوبی با گربه‌ها داشت و عمدتاً از طریق نذورات و شستن قبور، امرار معاش می‌کرد. با او درباره رشديه صحبت کردم. گفت: عموماً افراد فرهیخته به زیارت قبر رشديه می‌آمدند.

با وانت، سنگ قبر را آوردیم تا قبرستان و از آنجا با فرغون سنگ قبر را جابجا کردیم. با کمک آقای صادقی و آقای محرابیون برای درآوردن سنگ قدیمی دچار مشکل شدیم. به علت ترک‌ها و شکستگی‌ها نمی‌شد که آن را سالم در بیاوریم. به همین خاطر به پیشنهاد دوستان قرار شد یک لایه ماسه نرم روی سنگ قبر بریزیم و سپس سیمان روی آن و بعد از آن سنگ قبر جدید قرار بگیرد و تا جایی که امکان داشت با وسواس عجیبی سعی کردیم که سنگ، محکم و تمیز در جای خود قرار بگیرد و پس از آن یک تابلویی در ورودی قبرستان نو قرار دادیم تا با علامت قبر میرزا حسن رشديه، میهمان‌ها قبر را به راحتی پیدا کنند.

در این داستان متوجه شدم؛ اینکه در اداره آموزش و پرورش نیز کمتر کسی رشديه را می‌شناخت و این باعث شده بود که من برای این کار با احتیاط بیشتری قدم بردارم.

گروه‌های اجتماعی یک مُهر به نام خود گروه‌ها داشت. من یک متن را آماده کردم و مُهر گروه‌های اجتماعی را زدم. بردم به اوقاف و بلافاصله مجوز تعویض سنگ قبر را گرفتم. وقتی از اوقاف بیرون آمدم، واقعا خوشحال بودم.

مضمون نامه این‌گونه تنظیم شد که دبیران مطالعات اجتماعی ناحیه یک قم می‌خواهند برای تعویض سنگ قبر میرزا حسن رشديه اقدام کنند.

به نظرم اولین بار بود مُهر گروه‌های اجتماعی واقعا به درد خورد. بعد از این کار به آرامستان رفتیم و نامه را به مدیریت آرامستان دادیم و از آنجا به اتفاق آقای کلهر به خیابان خاکفرج به مغازه سنگ‌فروش حکیمی رفتیم و برای انتخاب سنگ خوب با صاحب سنگ‌فروشی وارد صحبت شدیم. سنگی سیاه و با کیفیت را انتخاب کردیم و برای نوشته روی سنگ قبر آقای کلهر پیشنهاد دادند که شعر نیما یوشیج را انتخاب کنیم:

یاد بعضی نفرات

روشنم می‌دارد:

اعتصام یوسف،

حسن رشديه

قوتم می‌بخشد

راه می‌اندازد

و اجاق کهن سرد سرایم

گرم می‌آید از گرمی عالی دمشان

نام بعضی نفرات

رزق روحم شده است،

وقت هر دلتنگی

سویشان دارم دست

جراتم می‌بخشد.

روشنم می‌دارد. (۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۷)

البته نوع خط و اینکه تذهیب آن به چه صورتی باشد، بارها تغییر پیدا کرد تا آنکه بالاخره متن سنگ قبر نهایی شد. هیچ کدام از دبیران در جریان کار نبودند. کار بعدی این بود که تا زمان آماده شدن سنگ قبر به اتفاق آقای کلهر، برنامه مراسم رونمایی از سنگ قبر و دعوت از همکاران و دبیران علوم اجتماعی تمامی نواحی را آغاز کنیم. وسایل

همایش در روز پنج‌شنبه ۱۳۹۶/۹/۲۳ در قبرستان نو مزار رشديه ساعت ۱۰ صبح برگزار شد. صندلی‌ها، میزها، دسته‌گل، میکروفن، بلندگو، پذیرایی را آماده کردیم. ضمناً یک مجموعه از نوشته‌ها و معرفی میرزا حسن رشديه را در کاور مرتب کرده بودیم تا به میهمان‌ها بدهیم.

از چهار دانش‌آموز نیز کمک گرفتیم. نزدیک ساعت ۱۰ صبح همه چیز آماده بود. حس عجیبی داشتم. حس فرد عزادار؟ نه! یا حس یک مراسم جشن، در قبرستان نو! میهمانان با شادی می‌آمدند و هیچ کس غمی در چهره نداشت. انگار خبر زنده شدن کسی در قبرستان را شنیده بودند. در این میان چشمم به یک شخص افتاد با کلاه مخصوص. اولین بار می‌دیدمش به نام آقای باقریان با چهره‌ای کاملاً مصمم و بسیار جدی که بعداً در سخنرانی مشخص شد که ایشان سال‌هاست در مورد رشديه کار کرده. از خودم خجالت کشدم. به معنای واقعی در مقابل این فرد احساس می‌کردم کار من، بیشتر نمایشی است و بسیار سطحی و او چقدر عمیق و تاثیرگذار.

سپس جناب آقای محمدرضا ابراهیم‌زاده مسئول گروه‌های آموزشی اداره کل و سپس جناب دکتر احمد عزتی‌پرور آمدند که از دیدنشان خیلی خوشحال شدم. مراسم با تلاوت قرآن کریم شروع شد که توسط دانش‌آموز دبستان غیرانتفاعی رشديه بود.

مراسم با صحبت‌های من شروع شد. خیر مقدم به همکاران، نوادگان رشديه و سپس یک گزارشی از روند تعویض رشديه و پس از آن خانم فرزانه کریمی دوبیتی قرائت کردند و سپس خانم شهبانو طوسی به صورت بداهه شعری گفتند.

سپس آقای کلهر صحبت کردند و در مورد جایگاه میرزا حسن رشديه و بیوگرافی آن صحبت کرد. سپس جناب آقای باقریان و به ترتیب آقای دکتر عزتی‌پرور و بهدخت رشديه صحبت کردند و در آخر با گل‌باران سنگ قبر رشديه، پیمان بستیم که یادش و نامش و راهش همیشه سرلوحه زندگی مان باشد.

* * *

سرکار خانم فرزانه کریمی از فرهنگیان اهل قلم قم، گزارش مختصری از این برنامه نوشته است:

امروز پنج‌شنبه، بیست و سوم آذر ماه بر مزار بزرگمردی از تبار دانش و فرهنگ، مرحوم حسن رشديه، بنیان‌گذار آموزش نوین، گرد آمدیم. در این مراسم که به همت فرهیختگان گروه علوم اجتماعی استان قم برپا شد، ابتدا آیاتی از قرآن کریم توسط یکی از دانش‌آموزان خوانده شد. سپس سرکار خانم شهبانو طوسی، با بداهه‌ای در ستایش این مرد بزرگ آغاز کرده:

در پیکره علم، دمی تازه دمید

او کالبد مدرسه را احیا کرد

می‌خواست بنای علم ویران نشود

رشديه، بنای رشد را برپا کرد

و سپس با غزلی زیبا با مطلع:

تغییر خواهم داد بعد از این جهانم را

از دست‌های مرگ می‌گیرم زمانم را

بر صفای محفل افزودند.

سپس جناب آقای کلهری درباره خدمات مرحوم رشديه و اندیشه‌های تربیتی وی، سخنانی ارزشمند و بجا بیان کردند. همچنین جناب آقای سپهری نیز سخنرانی کوتاهی در این باب داشتند.

در بخش بعدی برنامه جناب استاد عزتی‌پرور با خواندن دو بیت از اقبال لاهوری:

غریبان را زیرکی، ساز حیات

شرقیان را عشق، راز کائنات

عشق چون با زیرکی همبر شود

نقشبند عالم دیگر شود

سخنان خود را درباره خدمات مرحوم رشديه آغاز کردند و در اثنای سخن، رشديه را جامع فرهنگ شرق و غرب دانسته و تأکید کردند که رشديه هم از ایجاد‌کنندگان مشروطیت بود و هم از نتایج آن.

جناب آقای باقریان، استاد جستجوهای علمی، نیز در این برنامه

ثانياً اين دو معلم فداكار چه كسانى هستند و با چه هدفى دست به اين كار زنده‌اند؟
ثالثاً سنگ قبلى به سفارش جبار باغچه بان ساخته شده و تاريخچه مفصل و جالبى داشت كه من بعداً درباره آن به طور مفصل و مستقل، مقاله‌اى خواهم نوشت؛ الان چه بلايى سر سنگ قبلى آمده؟ و ده‌ها سوال و ابهام ديگر.

تلفن آن دو معلم را گرفتم و فوراً زنگ زدم و سر مزار رشديه حاضر شدم. كار از كار گذشته بود و سنگ جديد نصب شده بود. مى‌دانستم كه مطمئناً خانم بهدخت رشديه كه تنها وارث پيگير و گردآور اسناد و آثار رشديه هستند از شنيدن اين خبر ناراحت مى‌شوند.

آقاى سپهرى را ديدم و شنيدم كه شكر خدا سنگ قبلى زير اين سنگ جديد، محفوظ است و... نفس راحتى كشيدم و آب خنكى خوردم و از آقاى سپهرى و كلهر تشكر كردم و برنامه‌هاى روز مراسم را با ايشان مرور كردم و گفتم كه خودم با خانم بهدخت تماس مى‌گيرم و از ايشان دعوت مى‌كنم كه به قم بيايند و...

همانطور كه حدس مى‌زدم خانم رشديه از شنيدن اين خبر و اين كه اين كار بدون اجازه ورثه انجام شده به شدت ناراحت شدند، اما گفتم كه اولاً اين كار فقط و فقط از روى دلسوزى و علاقه شخصى دو معلم قمى بوده و من اصلاً در جريان نبودم؛ ثانياً سنگ تاريخى قبل محفوظ است و...

خانم رشديه بالاخره قبول كردند و به همراه برخى از بستگان به قم آمدند و مراسم بزرگداشت رشديه در قبرستان قم نو برگزار شد.

نكته پايانى اينكه سركار خانم اكرم كارگر از

درباره ضرورت چاپ كتاب‌هاى مرحوم رشديه سخن رانده و تأكيد كردند كه كتاب‌هاى ايشان زيرساخت فرهنگ و دانش در آموزش و پرورش است.

همچنين از دشوارى‌هاى راه پژوهش و به دست آوردن سندهاى تحقيق از طريق سازمان اسناد ملي سخن گفتند.

در پايان سركار خانم بهدخت رشديه، ضمن سپاس از تلاش فرهنگيان عزيزى كه سنگ مزار ايشان را عوض کرده بودند، دليل عدم اقدام خانواده مرحوم رشديه را براى اين كار، تاريخى بودن سنگ قبلى مزار دانستند و گفتند كه شايسته است اين سنگ زيرين در موزه‌اى نگهدارى شود.

در انتهاى مراسم حاضرين در هم‌ايش همراه با گلباران كردن مزار با شاخه گل‌هاى اهدايى در آغاز برنامه، فاتحه‌اى براى شادى روح اين مرد سترگ، خواندند.

جاي دوستان خالى، مراسم خوبى سر مزار مرحوم رشديه داشتيم كه بخشى از فيلم‌ها و گزارش كامل آن را تا شب در گروه قلمريز در تلگرام خواهم گذاشت.

غير از جناب استاد عزتى پرور و جناب آقاى ابراهيم زاده و جناب آقاى باقريان و جناب دكتور آذرنيا و جناب آقاى مهدى اكبرى اصفهاني، طبق معمول فقط سركار خانم شهبانو طوسى و سركار خانم سعادت مصطفائي دعوت گروه را لبيك گفته و در مراسم شركت كردند.

سپاس گزاريم از ايشان و از جناب آقاى كلهر و دبيران خوب گروه علوم اجتماعى استان

و پاس مى‌داريم تشريف‌فرمايى خانواده مرحوم رشديه را كه از تهران و قم قبول زحمت فرموده، در مراسم حضور يافتند. (فرزانه كريمى)

* * *

يادداشت سيد رضا باقريان موحد

آذرماه ۱۳۹۶ بود و من توانسته بودم كه بعد از چند سال جستجو و تلاش شبانه روزى، مجموعه آثار و اسناد و خاطرات ميرزا حسن رشديه را گردآورى كنم. روز و شب مشغول رشديه پژوهى بودم و مى‌خواستيم كه نذر خود را به بهترين شكلى ادا كنم؛ وقتى ۷۰ سال زحمت و همت رشديه را ديدم، تصميم گرفتم حداقل ۷ سال از عمرم را نذر اين كار كنم، رشديه را بشناسم و به ديگران هم بشناسانم و...

روزي يكي از دوستان تلفن كرد و گفت كه دو نفر از معلمان قمى، سنگ شكسته قبر رشديه را تعويض کرده و سنگ جديدى گذاشته‌اند. اين خبر مثل پُتنكى بر سرم فرود آمد؛ اولاً چرا من از اين ماجرا مطلع نشده‌ام؟

منتشر خواهد کرد. اهمیت این نامگذاری در این است که احتمالاً نام میرزا حسن رشدیه تبریزی بر سردر تعداد کمی از مدارس ایران نقش بسته است.

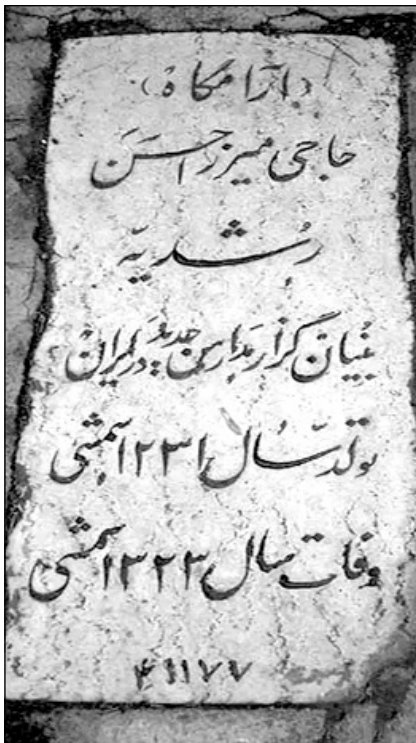
از فضای مجازی خواستم که اسامی مدارس که به نام رشدیه نامگذاری شده به من معرفی کند، بعد از جستجوی بسیار، فقط ۱۰ مدرسه در ۱۰ شهر ایران به این نام یافت شد که بیشترشان دبستان غیرانتفاعی دخترانه بودند در شهرهای قم، گرگان، اردبیل و...

معلمان خلاق و خوشفکر مقطع ابتدایی قم، بعد از طی ماجراها و سختی‌هایی توانسته بودند که دبستان غیرانتفاعی به نام رشدیه تاسیس کنند.

قصه نامگذاری مدرسه به نام رشدیه و فراز و فرود اداری آن بسیار جالب است که ان شاء الله خانم کارگر، آن را در قالب یک یادداشت

پیش دبستان و دبستان تخصصی دخترانه غیر دولتی رشدیه

تلفن: ۳۶۶۲۷۶۶۷















فصلنامه تخصصی اسناد، مخطوطات، فرهنگ مشرق زمین (فارسی، عربی)

شماره ششم، بهار ۱۴۰۴/ش، ۱۴۴۶ق/م، ۲۰۲۵م

آدرس سایت: www.orientalgazette.ir

تلگرام و ایتا: @orientalgazette

شماره شاپا: ۲۳۶۴ - ۲۹۸۱

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: سید صادق حسینی اشکوری (آصف آگاه)

مشاوران علمی: علی رواقی؛ نجفقلی حبیبی؛ عارف نوشاهی؛ علی حدیدی بساوی؛ فرید قاسملو؛ علی میرانصاری؛

اصغر دادبه؛ رضا مختاری؛ محمد سوری؛ سیدمحمدتقی حسینی؛ منوچهر صدوقی شها، محمدرضا بهزادی

طراح جلد و لوگو: محمدحسین همدانیان

صفحه آرایی: سید محمد موسوی معلم

ناظر چاپ: حسین عبدی

فیلم و زینگ: لیتوگرافی نقش

چاپ: نینوا

صحافی: امین

آدرس فصلنامه:

دفتر مرکزی: ایران، قم، خیابان طالقانی، کوی ۲۳، فرعی اول سمت چپ، پلاک ۱، کد پستی: ۳۷۱۴۹۳۵۷۹۸

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۱۵۹

تلفن ثابت: ۰۰۹۸۲۵۳۷۷۱۳۷۴۰

نمابر: ۰۰۹۸۲۵۳۷۷۰۱۱۱۹

WhatsApp (Iran): +989386434373

نمابندگی ترکیه جهت توزیع کاغذی نشریه:

WhatsApp (Turkey): +905346527277

Süleyman Kuranel cad. no. 30, Kelebek apt. kat 8, d. 15, Değirmiş mah.

27090 Şehitkamil/Gaziantep, Türkiye

ORIENTAL COMPANY

Yayıncılık ve sanat galerisi

Tel/Fax: 00903429991358

توزیع کاغذی در سراسر ایران، از طریق پستی، یا باجه‌های مطبوعاتی و کتابفروشی‌ها انجام می‌شود.

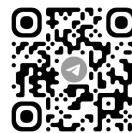
در خارج از ایران، کلیه مرسولات از دفتر نمایندگی نشریه در ترکیه ارسال می‌گردد.

قیمت شماره ششم در داخل ایران: ۷۰۰۰۰ تومان

قیمت در اروپا، امریکا و قاره آسیا با احتساب هزینه ارسال: معادل ۳۴۵

(قابل واریز به حساب مؤسسه اورینتال در ترکیه)

شماره ثبت فصلنامه ذخایر شرق: ۹۲۵۷۱ مورخ ۵-۱۱-۱۴۰۱ ه.ش



فهرست مطالب

* مقالات

- زبان فارسی، عامل وحدت ملی / سید مصطفی محقق داماد ۴
- پژوهشی بر نسخه مصور رؤیت ماه و کریشنا با استناد بر متون مقدس سنسکریت / فرزانه اعظم لطفی ۱۴
- نویافته‌ها و ناگفته‌ها (۱)؛ روایت نظام‌الدین احمد گیلانی از مجلس درس میرداماد / حسین نجفی ۲۰
- فرش و فرش‌بافی در اجیرنامه‌ها (بررسی ساختار شکلی و متنی اجیرنامه‌های بافت) / سجاد نوروزی ۲۹
- محصلین ایرانی در خارج از کشور (حسین کاظم زاده ایرانشهر) / مهرداد فردیار ۵۲
- اوراق صادق - ۲ / رونمایی از ۵۷ اجازه جعلی / یادداشت‌های سید صادق حسینی اشکوری درحوزه
نسخه‌های خطی و اسناد ۷۲
- خاطراتی از تعویض سنگ قبر میرزا حسن رشديه در آذرماه ۱۳۹۶ ش / محمد سپهری فتاحی ۱۰۱
- مجله علمی؛ از نخستین نشریات سیاسی - ادبی در دوره قاجار / سید مهدی سید قطبی ۱۱۲
- علم و اخلاق؛ از نخستین نشریات ویژه دانش‌آموزان در دوره قاجار / سید مهدی سید قطبی ۱۱۹
- جلیل محمدقلی زاده و مجله ملانصرالدین (۱۹۰۶ - ۱۹۳۱ میلادی) / پیمان محمدی / حسن عبدی ۱۲۸
- کتابنامه مثبت (آیین‌نامه بازشناسی کتاب‌های مفید از آثار انحرافی و مُضر) / سید رضا
باقریان موحد ۱۳۲
- جنگی از آثار بزرگان (معرفی مجموعه شماره ۱۴۰۵ مجلس شورای اسلامی) / محمد مهدی کاوه‌یزدی ۱۳۸
- بر حاشیه اسناد شرعی (۳)؛ اسناد قنات‌های موقوفه آران / سید صادق حسینی اشکوری ۱۷۳
- کتابشناس و نسخه‌شناس عارف آستان قدس رضوی (شمه‌ای از احوال و آثار غلامعلی عرفانیان) /
علی صادق زاده‌وایقان ۱۹۹
- پنج قصیده در بزرگداشت مقام علمی و معنوی حضرت آیه الله سید مصطفی محقق داماد / سروده
علی حیدری یساوی ۲۰۴